

## ● گزارش‌ها و تحلیل‌ها

### میزگرد بررسی رابطه فرهنگ و سیاست بین‌الملل

شناخته شده بین‌المللی معتبر و مورد احترام در سازمان ملل و آلمان می‌باشند که بیش از پنجاه سال است در صحنه سیاسی اروپا فعال است. اعتبار و سابقه جهانی بنیاد کوربر به علاوه تمکن مالی این بنیاد موجب شده در این میزگردها مناسب‌ترین اندیشمندان و محققان بین‌المللی گردهم آیند.

برنامه‌ریزی این نشست از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی انجام گرفت. شهر اصفهان و هتل عباسی به جهت قرابت تاریخ شهر اصفهان به عنوان یک مرکز فرهنگی با موضوع

بنیاد کوربر<sup>۱</sup> آلمان میزگرد ۱۲۷ برگدورف<sup>۲</sup> را تحت عنوان «بررسی رابطه فرهنگ و سیاست بین‌الملل» در ۳ و ۴ آبان ۱۳۸۲ در اصفهان با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی برگزار نمود. شرکت‌کنندگان پس از بازدید از شیراز با ریاست محترم جمهوری و وزیر محترم امور خارجه ملاقات کردند که در زیر خلاصه‌ای از این میزگرد ارائه می‌شود. بنیاد کوربر آلمان بیش از چهل سال است میزگردهایی را با عنوان برگدورف در کشورهای مختلف جهان به‌ویژه اروپا برگزار و یک موضوع خاص بین‌المللی را بررسی می‌کند. آقای ریچارد وایتسکر رئیس‌جمهور سابق آلمان در رأس هیأت مدیره این بنیاد قرار دارد. ایشان یک چهره

1. Korber - Stiftung

2. Bergedorf Round Table

میزگرد که «بررسی رابطه فرهنگ و سیاست بین‌الملل» بود انتخاب شد. در این میزگرد ده نفر از محققان ایرانی و سی نفر از محققان خارجی از کشورهای آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، ایتالیا، مصر، روسیه، کویت، ژاپن و چین شرکت داشتند. آقایان معیری معاون وزیر امورخارجه، عزیزی دستیار ویژه وزیر امورخارجه، منصوری معاون پژوهشی وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری از مهم‌ترین شخصیت‌های ایرانی شرکت‌کننده بودند.

جناب آقای دکتر سلیمی استاد دانشگاه علامه طباطبایی، سرکار خانم دکتر مشیرزاده استاد دانشگاه تهران و جناب آقای دکتر نقیب‌زاده استاد دانشگاه تهران سخنرانان اصلی طرف ایرانی و آقایان دکتر رایزور از آلمان، دکتر مک فال از هاروارد آمریکا و دکتر پیکو معاون دبیرکل سازمان ملل سخنرانان اصلی بودند که با طرح نظرات خود مباحث را مطرح و امکان اظهارنظر برای بقیه حضار را فراهم آوردند.

موضوع رابطه فرهنگ و سیاست در سه نیم‌روز و تحت سه‌عنوان زیر مورد بحث و

بررسی قرار گرفت.

در این میزگرد ۳۰ نفر از مدعوین بحث و اظهارنظر نمودند، لذا مطالب به‌صورت پیوسته نیامده و در برخی موارد که تعارضاتی وجود دارد به‌علت اظهارنظر متفاوت شرکت‌کنندگان است که به صورت خام ارائه گردیده است.

### جلسه اول: رابطه فرهنگ و سیاست در بعد

#### بین‌المللی

- ابتدا آقای وایتسکر اجلاس را افتتاح کرد و اظهار داشت: از میهمانان ایرانی که این نشست را امکان‌پذیر ساختند تشکر می‌کنم. میزگردهای برگردورف بخشی از جامعه مدنی اروپاست و محلی برای گفتگوی آزاد، انتقادی، سازنده و در نهایت نویدبخش است. آقایان برترام و سجادپور ریاست مشترک جلسات را برعهده دارند.

مهم‌ترین نکات مطرح شده در این جلسه عبارت است از:

- این که فرهنگ اصل و بنیان همه تحولات است نقطه مشترک تئوری آقای خاتمی

به عنوان برخوردار محتوم پذیرفت، باید جلوی آن را گرفت و یک لحظه‌ای که میان این فرهنگ‌ها هست که به هم می‌رسند و اثبات خویشتن خویش می‌کنند را پیدا کرد. سؤال این است که چه کسی باید این تعریف مشترک را انجام دهد. به نظر می‌رسد باید ارزش‌های مشترک دنیا را تعریف کرد. مشکل در تعریف ارزش‌های مشترک است. این نیاز به قدرت و تمرکز زیاد و در عین حال توجه به مسائل سیاسی و امنیتی دارد و توجه کنیم که چشم خود را به فرهنگ‌های دیگر باز کنیم. فرهنگ همیشه با گفتگو همراه است و لازمه گفتگو تحمل است. از طریق قبول چندجانبه بودن در فرهنگ بین‌الملل می‌توان جلو برخوردار را گرفت.

- این سؤال اساسی برای فرهنگ‌های ضعیف‌تر مطرح است که آیا باید جنگید و هویت فرهنگی را حفظ کرد یا باید با عقب‌نشینی، خود را محدود کرد. اثری که چند فیلم هالیوود در نروپاشی شوروی داشت موشک‌های اتمی نداشت. لذا ما با توسعه فرهنگ‌ها روبرو هستیم و گریزی از آن نیست جز آن که خود را تقویت کنیم.

و برخوردار تمدن‌های هانتینگتون است. در زندگی نمی‌توان تئوری و عمل را از هم جدا کرد. تمام تعاریف از جمله فرهنگ براساس طبیعت رفتاری افراد و دیدگاه‌های بنیادی آنهاست. در سال‌های اخیر یک دیدگاه جدید نسبت به کل مقوله فرهنگ بوجود آمده است. مطبوعات در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین بخش‌های فرهنگ تبدیل شده‌اند، مردم و حتی سیاستمداران برداشتشان از سیاست همان چیزی است که رسانه‌ها می‌گویند.

- بین فرهنگ و تمدن تفاوت است. فرهنگ به عنوان رفتارهای سنتی تعریف شده است. وظیفه ما این است که به این‌ها معنا ببخشیم و این معنی را به درک فرهنگی برگردانیم، یعنی عمل فرهنگی را یک عمل معنابخش بدانیم که غیر انتزاعی است و لذا از آنجا که در عالم واقعیت بین فرهنگ‌ها تفاوت وجود دارد باید بین فرهنگ‌ها که با سیاست و مذهب در ارتباط هستند و متأثر از آن می‌شوند خط فاصله قرار داد. البته همانطور که آقای خاتمی گفت نباید این تفاوت میان فرهنگ‌ها را

تغییر هستند لذا فرهنگ‌ها نیز در حال تغییرند. مردم انگلیس در مخالفت با جنگ نمی‌خواستند مانع جنگ شوند بلکه می‌خواستند خودشان را از جنگ حفظ کنند.

- نقش و جایگاه افراد در فرهنگ‌سازی بسیار مهم است. فرهنگ‌ها را افراد بوجود می‌آورند. در عین حال عدم پایبندی و ضعف فردی موجب اضمحلال فرهنگ‌ها می‌شود. زمانی این ترس وجود داشت که کثرت ترک‌های برلین این شهر را متأثر از فرهنگ اسلامی کند اما همه آنها در مدارس سکولار آلمان مستحیل شدند.

- فرهنگ به خودی خود هویتی ندارد. فرهنگ چارچوب اجتماعی است. اگر این تعریف را قبول کنیم همه فرهنگ‌ها دچار چالش شده‌اند. فرانسوی‌ها در اهمیت دادن به غذا مشهورند اما در نظرسنجی نشان داده شده بیشتر یک غذای عربی - پاکستانی دوست دارند و یا مشهورند که به فرهنگ فرانسوی حساسند اما امروزه اکثر اسامی دفتر تلفن پاریس غیر فرانسوی است و یا در ایران روی تاکسی‌ها همه زیدان را

این سؤال مطرح است که آیا می‌توان فرهنگ را بدون سیاست به عنوان قدرت در نظر گرفت؟ آیا فرهنگ بدون سیاست معنایی دارد؟ وقتی می‌خواهیم فرهنگ را از سیاست جدا کنیم دچار مشکل می‌شویم. اسلام از خارج و با قدرت وارد ایران شد. میدان امام اصفهان به عنوان بخشی از فرهنگ این شهر در سایه قدرت بوجود آمده است و رابطه قدرت و فرهنگ را می‌توان در میدان امام اصفهان یاد گرفت. سؤال دوم این است که تحت چه شرایطی توسعه قدرت به صورت گسترش فرهنگی می‌تواند به جنگ منجر نشود و این که هر فرهنگ می‌تواند از یک حق حداقلی برخوردار باشد. امروز همه انگلیسی صحبت می‌کنند سؤال این است که پس از پانصد سال فرزندان ما به چه زبانی صحبت می‌کنند. آمریکایی که در سال ۱۹۹۳ قدرت را در جهان گرفت و فاشیسم و کمونیسم را از صحنه خارج کرده بود از سال ۱۹۳۰ آغاز کرده است و امروز به اینجا رسید.

- حرکت‌های سنتی خود را به صورت حرکت‌های فرهنگی نشان می‌دهند. مردم در حال

- تفاوت چندانی میان رابطه فرهنگ و سیاست در مناطق جغرافیایی جهان وجود ندارد. نحل‌های مختلف فکری که خاستگاه گروه‌های سیاسی در مناطق مختلف جهان از جمله خاورمیانه هستند در این نکته مشترک هستند که حقیقت تنها متعلق به ما است. این تکبر گروهی و عامل مخرب، خصیصه همه گروه‌های کوچک جهانی است با این تفاوت با گذشته، که این گروه‌ها به خاطر جهانی شدن آزادی بیشتری پیدا کرده‌اند. همچنین این دیدگاه جزم‌گرایی پس از فروپاشی شوروی تقویت شد که عده‌ای نمی‌توانند بدون داشتن دشمن زندگی کنند.

- در خاورمیانه نقش فرد بسیار مهم است. ظرفیت فردی افراد تعیین‌کننده و تصمیم‌ساز است. دیدگاه‌های نوینی از سوی افرادی مانند آقای خاتمی مطرح می‌شود مبنی بر این که دنبال قهرمان نگردید قهرمان واقعی خود مردم هستند نه فرد، قرار نیست نجات‌دهنده‌ای از آسمان یا غرب بیاید و تا زمانی که مردم خودشان سرنوشتشان را به دست نگیرند با مشکل مشروعیت و مقبولیت روبرو خواهند بود اما درک این معنی زمان می‌برد. جوامع خاورمیانه تا

تبلیغ می‌کنند. لذا فقط فرهنگ آلمان و فرانسه نیست که تحت فشار و چالش است فرهنگ آفریقا و ایران و ترکیه... در حال تغییرات ناخواسته و در حال گذر هستند. مشکل حکومت‌ها این است که به چه نحوی این تحولات را رقم بزنند که منافع آنها را به بهترین وجه تأمین کند.

- پراگماتیسم برای سال‌ها فرهنگ غالب بوده و باعث شده سیاست ایدئولوژیک نباشد. در دوره جنگ سرد سیاست بر فرهنگ حاکم بود فرهنگ ابزار بود و یک نقش ثانوی را بازی می‌کرد اما پس از جنگ سرد تغییراتی در پارادایم حاکم در حال وقوع است و چالش‌های جدید مطرح شده است تا سیاست را فرهنگی کند و رابطه‌ای که بین فرهنگ و سیاست نبود در حال پیدا شدن است که می‌تواند از تبعات جهانی شدن باشد.

### جلسه دوم: فرهنگ و سیاست بین‌الملل: بازتاب

#### منطقه‌ای

مهم‌ترین نکات مطرح شده در این

جلسه عبارت است از:

الجزایر و نادیده گرفتن نظرات مردم در این کشور و حمایت از استقرار نظامیان تردید جدی در صداقت غرب و اروپا در حمایت از روندهای مردم سالارانه ایجاد کرده و شائبه استفاده ابزاری از دموکراسی را تقویت نموده است.

- خاورمیانه آخرین منطقه‌ای است که روند دموکراسی را آغاز کرده است. تحولات جاری به سمت دموکراسی پیش نمی‌رود و حتی نشانه‌هایی از احیای دیکتاتوری خفته در آن به چشم می‌خورد.

- شناخت روانشناسی سیاسی این منطقه یافتن رابطه فرهنگ و سیاست را تسهیل می‌کند. دو موضوع در ایران و کل منطقه نسبت به غرب مشترک است. اول احساس خطر، در همه کشورها نسبت به غرب احساس خطر ناخودآگاه وجود دارد. در قرن نوزدهم ایران به سمت روس رفت و پس از خیانت روس‌ها به سمت فرانسه رفت. ناپلئون خیانت کرد و در مصالحه با روس‌ها ایران را تنها گذاشت. دوم عدم اعتماد حس مشترک در سیاست خارجی خاورمیانه است. فلسطینی‌ها را با فشار سر میز می‌آورد و بعد

زمانی که چشم امید به ظهور افراد منجی دارند نمی‌تواند بر مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود فائق آید. این مشکل سیاسی یک راه حل فرهنگی دارد و آن احساس مسؤلیت و خودباوری در ملت‌های خاورمیانه برای تعیین آینده خود است. مشکل این دیدگاه آن است که در خاورمیانه خودباوری و زمینه‌های ایجاد دموکراسی هنوز ایجاد نشده است لذا منطقه آمادگی لازم و پایه‌های ضروری برای استقرار سیستم دموکراتیک ندارد. هر گونه دموکراسی وارداتی و تحمیلی می‌تواند تبعات سوء تحمیل را داشته باشد. عمق فرهنگی خاورمیانه مانند بالکان نیست که بتوان براساس اختلاف قومی نژادی کشور تشکیل داد.

- از مرزهای جنوبی ایتالیا و شمال آفریقا تا شرق هند کمتر می‌توان کشور دموکراتیک یافت. در نیات غرب در استقرار دموکراسی در خاورمیانه تردید وجود دارد. سرنگونی حکومت دموکراتیک دکتور مصدق، برخورد غیر دموکراتیک با هایدر در اتریش و محروم کردن این کشور در اتحادیه اروپا، همراهی با روند غیر دموکراتیک در

خواسته‌های جوامع دیگر خاورمیانه با هم متفاوت است، ایرانی‌ها از نظر اجتماعی با آسیای مرکزی بیشتر از اعراب همخوانی و نزدیکی دارند.

- در حالی که سیاست اصولی آمریکا و غرب حمایت از گسترش لیبرالیسم بود و در این زمینه ایران از همه جلوتر است و به‌طور طبیعی باید حمایت آمریکا را جلب می‌کرد اما برنامه انمی ایران و حمایت از حزب‌الله دو خط قرمز آمریکا است که مانع همراهی با ایران شده است. با حل مشکل اتمی و تبدیل ایران به یک بازیگر حاشیه‌ای در بحران خاورمیانه امکان تغییرات جدی در سیاست آمریکا وجود دارد. البته ایران باید مشخص کند با اسرائیل می‌خواهد چه کند. - در دنیا قبلاً برده‌داری بود، عقاید و

ارزش‌های استعماری منسوخ شد، فرهنگ دیکتاتوری وجود داشت، اما امروز پذیرش جهانی ندارد. سی سال پیش اروپا و آمریکا با رژیم‌های دیکتاتوری رابطه نزدیک داشتند اما امروز فرهنگ جهانی تغییر یافته است. دیگر نمی‌توان ادعا کرد آسیا و خاورمیانه آماده

چیزی به آنها ندادید این رفتارها عوامل نااطمینانی را در منطقه گسترش داده است.

- آداب و رسوم منطقه باید شناخته شود. ما در قبل عدالت داشتیم در آشنایی با غرب عدالت را کنار گذاشته و آزادی آمده است. الان یکصد سال طول کشیده هنوز دعوی بین عدالت و آزادی هست. غرب نمی‌تواند به راحتی چیزی را بگیرد و بعد پس دهد و با ارزش‌های این منطقه بازی کند. سنت در خاورمیانه مهم است. اگر برای تحمیل دموکراسی بدون آن که زمینه‌های فکری و اجتماعی آن مهیا شود فشار وارد شود کشورهای قدرتمند منطقه به پرخاشگری و کشورهای ضعیف به سیاست انزوا روی می‌آورند. با این ملاحظات که مطرح شده باید پرسید چه ساختاری برای منطقه مناسب است. مشکل فقط مشارکت فعال مردم منطقه نیست بلکه فهم اروپا از منطقه و مشارکت آنها نیز مهم است.

- ایرانیان همواره دنبال عدالت بودند نه آزادی. آزادی در ایران به بی‌بند وباری تعبیر شده است و از زمان مشروطه جنبش‌های مردمی خواستار ایجاد عدالتخانه بودند در حالی که

توسعه دانشگاه‌ها در ایران به افزایش آگاهی عمومی می‌انجامد. اما در بقیه کشورهای خاورمیانه زمینه چنین تحولاتی وجود ندارد. کسی با جوهر دموکراسی مخالف نیست ولی در زمان و مراحل آن ملاحظاتی وجود دارد. البته درست است که دیکتاتوری مرده است و به‌عنوان هنجار کسی از دیکتاتوری دفاع نمی‌کند اما بیم بازگشت ارزش‌های گذشته به شکل هنجارهای جدید وجود دارد.

- از نظر فرهنگی برای شهروندان آمریکایی خجالت‌آور است که آرنولد فرماندار آنهاست. این‌که ایران آمادگی دموکراسی را ندارد قابل قبول نیست. ایران موقعیت منحصر به فرد دارد. تحصیلات عالی مردم، هزار سال فرهنگ و تمدن زمینه هر تحول فرهنگی عمیق را مهیا می‌سازد. مردم آمریکا به دموکراسی درخارج اهمیت نمی‌دهند. بوش نگفت برای دموکراسی به عراق می‌رویم بلکه گفت برای مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی است لذا فشار خارجی برای استقرار دموکراسی تأثیر محدود خواهد داشت. کسانی در آمریکا می‌خواهند دو کشور

دموکراسی نیست، از نظر آمریکا ارزش‌های جهانی عوض شده است. در این فضای جدید بهترین راه برای دفاع سلاح هسته‌ای نیست. بلکه استقرار ارزش‌های دموکراتیک است زیرا آمریکا به کشورهای دموکراتیک حمله نخواهد کرد. اما آیا این حق برای غرب وجود دارد که ارزش‌های مورد قبولش را به دیگران منتقل کند. دموکراسی غربی خودش ضعف‌های عمده‌ای دارد که درحال گسترش است. ما زمانی حق داریم برای استقرار دموکراسی جهانی مبارزه و تبلیغ کنیم که ضعف‌های دموکراسی را در کشورهای غربی روشن و ترمیم کرده باشیم. غرب که امروز به عنوان پیامبر دموکراسی عمل می‌کند باید این سخن چرچیل را در ذهن مرور کند که دموکراسی بدترین نوع حکومت است.

- غرب از ما در خاورمیانه انتظار دارد آنچه را که خود طی دوپست سال به آن رسیده ما یک شبه طی کنیم. مادام که علم و روشنی و آگاهی مردم نباشد دموکراسی ایجاد نمی‌شود. هیتلر و موسولینی از دل دموکراسی بیرون آمدند. از دموکراسی ناآگاه دیکتاتوری بیرون می‌آید.



عربستان موضوع کلیدی منطقه است. این سیستم طی چند سال آینده تغییر خواهد کرد. یک کودتای داخلی آرام و تدریجی با استفاده از نیروهای موجود در عربستان این وظیفه را انجام می‌دهند. یک وضعیت مصنوعی اعراب را در مقابل ایران قرار خواهد داد. ایران به چالشگر اصلی اعراب تبدیل خواهد شد و کماکان چالش اصلی آمریکا خواهد ماند. طی یک سیاست دوگانه فشار از سوی اعراب و آمریکا بر ایران اعمال می‌شود. اوپک نیز به گذشته تعلق دارد تأثیر اوپک مانع روند جهانی‌سازی است. با حذف اوپک کشورهای مصرف‌کننده به رهبری آمریکا نفت را کنترل خواهند کرد. ترکیه اگر به اتحادیه اروپایی بپیوندد یک تحول جدی خواهد بود و دیدگاه اروپا نسبت به منطقه و خاورمیانه تغییر جدی خواهد کرد.

- شرایط ایران با بقیه خاورمیانه فرق می‌کند. اولاً ایران یک هویت ملی قوی دارد. دوم این که نیروهای سرنوشت‌ساز در ایران صرفاً سیاسی نیستند و نیروهای اجتماعی ایران را مشخص می‌کنند. ۶۷ درصد دانشجویان دختر

دشمن باقی بمانند تا آنها سلاح‌های خود را بسازند اگر این دشمنی نبود بسیاری از این قراردادها بسته نمی‌شد.

- برای ایجاد ارتباط میان فرهنگ و سیاست کنونی باید به این سؤال پاسخ داد آیا تضادی میان ارزش‌های جهانی و جهانی شدن با ارزش‌های فردی وجود دارد؟ هر دو طرف سازوکارهای دفاعی اتخاذ کردند. آیا جهانی شدن شانس ابراز وجود را به فرهنگ‌های مختلف می‌دهد.

### جلسه سوم: آینده رابطه فرهنگ و سیاست بین‌الملل

مهم‌ترین نکات مطرح شده در این جلسه عبارت است از:

- دیدگاه روسیه: خاورمیانه کماکان مرکز

توجهات بین‌المللی خواهد ماند. این منطقه نمی‌تواند با وضع فعلی ادامه دهد و شاهد تغییرات احتمالی زیر خواهد شد: عراق در دو سال آینده وضعیت مناسب پیدا خواهد کرد و به سمت دموکراسی هدایت خواهد شد. سرنوشت

را غیر طبیعی نشان می‌دهند در حالی که ایران یک کشور نرمال است که امنیت، اقتصاد، پرستیژ و احترام فرهنگی خود را دنبال می‌کند.

- در ده سال آینده گاز جای نفت را می‌گیرد و فن‌آوری حرف اول را در اقتصاد خواهد زد. خاورمیانه تنها به جهت اعراب و اسرائیل مهم نیست بلکه اقتصاد بدون این‌که از سیاست متأثر شود مهم است. البته این نکته کلیدی است که شکست و عدم موفقیت آمریکا در منطقه به نفع هیچ کس نیست و به‌رغم اختلاف نظر اولیه، در حال حاضر بر ضرورت موفقیت آمریکا در این بحران اجماع وجود دارد.

- پیشنهاد همزیستی مسالمت‌آمیز بدون

توجه به تفاوت‌های فرهنگی یک راه‌حل کوتاه مدت است، بدین ترتیب که فرهنگ را در گیومه بگذاریم و عمل‌گرایانه همکاری کنیم. دموکراسی باید یک رویکرد داخلی داشته باشد و بومی شود تا پذیرش پیدا کند اما به این معنی نخواهد بود که منتظر بمانیم تا نسخه بومی تهیه شود. نیروهای خارجی باید این روند را تسهیل کنند.

در پایان جناب آقای دکتر سجادی‌پور در

هستند. فرهنگ شهرنشینی به سرعت گسترش می‌یابد. سوم این که ایران در آینده متعادل‌تر خواهد شد. از دویست سال گذشته ۶-۵ موضوع مورد بحث بوده که واسطه فرهنگ و سیاست بودند، مانند مذهب که ما چقدر باید مذهبی باشیم دوم ایرانی بودن، سوم عدالت، چهارم رشد اقتصادی و پنجم استقلال.

تحولات عراق تأثیر سوء بر منطقه نهاده و در آینده نزدیک بهبود نخواهد یافت. حمایت آمریکا از اسرائیل و مقاومت فلسطینی‌ها از یک سو و از دست رفتن فرهنگ و هویت سنتی در خاورمیانه این منطقه را رادیکالیزه خواهد کرد و جهان نمی‌تواند به این سرعت خود را از دست خاورمیانه رها کند. آمریکا به دنبال هژمونی است و اروپا راهی جز فعال بودن ندارد در این میان فرهنگ بهترین و آماده‌ترین زمینه برای تعامل میان اروپا و خاورمیانه است. غرب باید به جای دستور دادن از فرصت گفتگو استفاده کند و رابطه را بهبود و سوءظن‌ها را ترمیم کند در غیر این صورت مخاصمه ادامه خواهد داشت. غرب در ترسیم چهره ایران دچار اشتباه است. آنها ایرانیان

مورد وضعیت اروپا به سخنرانی پرداخت.  
شرکت‌کنندگان ایرانی این میزگرد عبارت بودند از:  
علیرضا معیری معاون آموزش و پژوهش وزارت امورخارجه، احمد عزیزی دستیار ویژه وزیر امورخارجه، رضا منصوری معاون پژوهشی وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری، سیدمحمدکاظم سجادپور مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، عباس منوچهری استاد دانشگاه تربیت مدرس، عباداله مولائی نفر دوم سفارت جمهوری اسلامی ایران در آلمان، اصغر محمدی کارشناس ارشد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، محمدجواد کمالیان کارشناس ارشد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، حسین سلیمی رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، احمد نقیب‌زاده استاد دانشگاه تهران، حمیرا مشیرزاده استاد دانشگاه تهران، علی پایا استاد دانشگاه وست‌مینستر انگلیس، محمود کتابی استاد دانشگاه اصفهان و علی حاج جعفری رئیس مرکز مطالعات اروپا و آمریکا.

جمع‌بندی تأکید کردند که دو طرف نیازمند عمل منتهی به نتیجه هستند این عمل باید با اعتدال و افزایش تحمل همراه شود. ایشان با اشاره به نکاتی مشابه از لوتر و گوته با شعر حافظ و همچنین احادیث منقول از ائمه (ع) ضرورت رعایت اعتدال و توجه به وجدان جمعی را یادآور شد.

آقای وایتسکر نیز با تشکر از دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در تنظیم این جلسه اظهار داشت: ایران می‌تواند یک همکار خوب برای ما باشد و ما اینجا جمع شدیم که شناختمان از یکدیگر را بهبود بخشیم. اعتماد روزافزونی در خارج در مورد ایران در حال شکل‌گیری است و با مباحث مفیدی که بیان شد می‌توانیم ادعا کنیم یکی از موفق‌ترین جلسات را برگزار کردیم.

شایان ذکر است که آقای وایتسکر دیدارهای جداگانه‌ای با جناب آقای خاتمی و جناب آقای خرازی داشت. وی همچنین در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در جمع کثیری از دیپلمات‌های خارجی و پژوهشگران داخلی در

شرکت‌کنندگان غیرایرانی عبارت‌بودند از: ریچارد فن وایتسکر رئیس جمهور سابق آلمان، کریستین ردیت رئیس هیأت مدیره بنیاد کوربر، کلاوس ومایر معاون اجرایی بنیاد کوربر در امور فرهنگی، دومنیکو پیکو معاون پیشین دبیرکل سازمان ملل، کریستف برترام رئیس بنیاد امور امنیتی و بین‌المللی آلمان SWP، غانم‌النجار استاد دانشگاه کویت، آندریاس فدروف مدیر پروژه سیاسی انجمن سیاست خارجی و دفاعی مسکو، عمرو حمزاوی استاد دانشگاه قاهره، ژیل کپل استاد مؤسسه مطالعات سیاسی پاریس، مایکل کریگ مدیر برنامه بنیاد استانی آمریکا، مارک لئونارد رئیس مرکز سیاست خارجی لندن، مارکوس لونینگ نماینده پارلمان آلمان از حزب لیبرال دموکرات، مایکل مک‌فال استاد دانشگاه استانفورد، رابرت پولتس نماینده پارلمان آلمان از حزب دموکرات مسیحی، یوهانس رایسنر رئیس بخش خاورمیانه بنیاد امور امنیتی و بین‌المللی آلمان، اولریش تیلگنر رئیس دفتر تلویزیون ZDF در تهران، رایجی تاکاشی مرکز پژوهش‌های اقتصادی فوجیتسو توکیو، گرت

وایتسکرچن نماینده آلمان از حزب سوسیال دمکرات، پاول فون مالتزان سفیر آلمان در تهران، شیها او یو معاون کل مؤسسه توسعه جهانی پکن، لوین فان ترات مدیر اجرایی میزگردهای کوربر آلمان، کارل آندریا فون اشتنگلین رئیس دفتر آقای وایتسکر.

### علی حاج‌جعفری

رئیس مرکز مطالعات اروپا و آمریکا  
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی